اسناد تاریخی

الهی، محمد جعفر

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمد اللّه علی نواله و الصلوة علی محمد و آله چون سفرای دولت بهیهء انگلیس بعد از وفات خاقان خلد آشیان بنابر درویشیهای مرحوم حاج میرزا آقاسی و بیگانگی او از حفظ دولت و دین تغییر اسلوب داده تکالیف شاقه در امور داخله و خارجه فوق الطاقه نمودند تا نوبت سفارت مستر موره وزیر مختار رسید و شرح حال مکشوف آحاد و افراد ملت و دولت‏ علیه ایران گشت بکلی خاطر اهلی مملکت از قاضی و دانی و دری و بازاری آزرده شد و برودتها برنجشها کشید هریک از اشخاص ملت و دولت بجوش آمده حرکات ناهنجار افراد سفرا را از هرچه بخاطر داشتند لازم شد که شرحی بموجب آزادی بنگارند.خامه بدایع نگار اقتصار جسته از بدو دولت شاهنشاه مبرور نگشت.زحمات ولیعهد مبرور طاب ثراه را متعرض نگردیده‏ گذشت و گذاشت بر این بنده محمد جعفر الهی که خدمت ملت و غیرت دولت را بوراثت دارد لازم شد که شرح مسافرت و جهت حرکت ولیعهد مبرور را از آذربایجان به ممالک شرقی که خود محرم خدام آن حضرت بوده و آنچه دیده و شنیده اشتهارنامهء کنم از آنجا که قرار روی زمین‏ است که هنگام محاربه سلاطین فتنه‏جویان هر مملکت دستی به آزار زیردستان دراز کرده خاصه‏ سرحدنشینان که بنای اسر و نهب و غارت می‏گذارند و روز را غنیمت می‏شمارند و از وخامت‏ عاقبت نیندیشند در ایام گرفتاری دولت علیه ایران بمجادله و محاربه دولت بهیه روس سرحد- نشینان بلوچستان و افغانستان دست تعدی دراز کرده بنای تاخت‏وتاز و نهب و اسر عباد گذاشته‏ امنیت را از طرق و شوارع برداشته از طرف سیستان و بلوچ این مرض مسری بدار العباده یزد رسید عبد الرزاق خان که پروردهء نعمت این دولت بود کارش بطغیان کشید و از طغیان او افاغنه‏ هرات در خراسان رضا قلی خان و محمد خان و دیگر خوانین که هریک صاحب قلعه بودند کارشان‏ بعصیان،حوصله ملوکانه خاقانی بر نقافت حکم احضار بولیعهد مغفور طاب ثراه داد که با قشون‏ آذربایجان حاضر شود و تنبیه اینان را کمر بندد و مالشی کامل دهد که دیگر هیچ آفریده‏ای‏ از زابل تا کابل در چنین موارد خیال طغیان نبندد و تمرد و عصیان نورزد با افواج قاهره از آذربایجان بعزم یزد و کرمان و کیج و مکران حرکت فرمود.پس از نظم یزد و کرمان از عبور بسیستان بتوهمات خفیه اولیای دولت انگلیس منحرف آمده از راه فارس در اصفهان بموکب‏ خاقانی رسید در ثانی بنظم خراسان و افغانستان مأمور شد با عزمی ثابت بخراسان نهضت فرمود قلاع یاغی را کوفت و اشخاص طاغی را گرفت چنانکه در متون تاریخ قاجار ثبت است.

برید و درید و شکست و ببست‏ یلانرا اسر و سینه و پا و دست پس از نظم ولایات متصرفی و تنبیه ترکمانان سالور و ساروق و سرخس و استخلاص‏ اسرا حبس تنبیه افاغنه هرات را که موجب این همه فسادات عظمیه بودند جزم فرمود و هرگز تصور نمی‏نمود که بعد از انحراف از سیستات و بلوچستان که عبورش موجب وهن بزرگ‏ به هندوستان میشد دیگر اولیای دولت انگلیس تصور طرفداری دولتی و معاهده با طرفی کنند عزل‏ حاکم هرات را جزم نمود یار محمد خان از در حیلت بضراعت آمد و شاهزاده کامران میرزا را شفاعت کرد که حسب الفرمان از خاقان حاکم است و بفرزند خواندگی محترم چون بوی صدق‏ و آثار صلاح نشنیدند شفاعتش را نپذیرفتند تنظیم هراترا چون دیگر ولایات خراسان تصمیم فرمود. صاحب منصبان افواج قاهره ولیعهد مغفور که سالها از دولت انگلیس مهاجرت جسته معلم و مواجب‏خوار و اجیر بودند بنهی صریح اولیای دولت خود از نوکری ایران سرباززده همراهی‏ نکردند و هشت کرور و اند مخارج سفر چهار ساله را که نتیجه آن فتح هرات و نظم کلی ممالک‏ شرقی بود سبب خسران شدند و از قضایای اتفاقیه در آن سنوات قحطی عظیم بود ذخائر دولت‏ بیشتر صرف آذوقه بشر حی که در دفاتر آذربایجان و خراسان ثبت و ضبط شده است زیاده از هشت کرور مخارج سفر ولیعهدی بحساب آمد ولیعهد مغفور طاب ثراه را از این خلال رنجشی‏ کامل حاصل شد و رأی شریفش برین قرار یافت که ایلچیها بدول بزرگ بفرستند و شرح بدعهدی‏ و این اخلال بین و خسران واضح را بدول روی زمین خاصه بدولت علیه عثمانیه و دولت قویه‏ فرانسه نویسند و انصافی بخواهند و مختاری از دول مذکوره بسفارت بیاورند که در تبریز با حضور ایلچیها مختار دولتین بهییتین روس و انگلیس اجلاس شود و قائم مقام مرحوم خسران‏ سفر ممالک شرقی را ببراهین متعدده ثابت کرده دریافت کند که اجل محتوم مجال نداده‏ مرحوم شد برین خیال قایم مقام در ولیعهدی شاهنشاه مبرور مصر شد و ایلچیهای دولتین را از دار الخلافه تبریز برد که اجلاس نماید و اخلال واضح ایشان را لایح سازد که خبر وفات خلد آشیان شایع گشت مجال گفت و شنید نماند تا آنکه نوبت سلطنت بشاهنشاه مبرور رسید که آن‏ همه خسران کشید و بقلم بدایع نگار رسید حقیقت دولت علیه ایران را میرسد که این شعر را به‏ دولت بهیه انگلیس نویسد.

تطاولی که تو کردی بدوستی با من‏ من این بدشمن خونخوار خویش نپسندم

اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین.کتبه المذنب صدر الدین محمد الالهی سنه‏ 1312-از اسناد اهدائی مجید فیروز بکتابخانه مجلس شورای ملی.